

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۲، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۱۱۶ - ۸۹

جهانی شدن و بازنمایی هویت فرهنگی در موسیقی کردی (بررسی الگوهای مصرف موسیقی دانشجویان کرد دانشگاه گیلان)

احمد محمدپور^۱
تافگه حسن پور^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۳/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۱۴

چکیده

جهانی شدن فرآیند پیچیده‌ای است که یکی از شاخص‌های دهه‌های پایانی قرن بیستم و مهم‌ترین چالش قرن بیستویکم به شمار می‌آید. تأثیرات این پدیده بسیار وسیع و گسترده است به صورتی که تمامی ابعاد زندگی جوامع انسانی را در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش تلاش دارد تا ضمن بیان تاریخچه جهانی شدن و مفهوم‌سازی آن با بررسی بینش و نگرش دانشجویان کرد دانشگاه گیلان نسبت به موسیقی کردی، به تحلیل نسبت جهانی شدن با پدیده قومیت بپردازد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، جهانی شدن، با فروریزی مرزهای مکانی، زمانی، سیاسی و جغرافیایی امکان دسترسی افراد به منابع متعدد معنا را فراهم می‌سازد و زمینه بروز و شنیده شدن صداهای مختلف، از جمله صداهای حاشیه‌ای را فراهم می‌کند و از این رو منجر به بازاندیشی در هویت‌های قومی و بازسازی آنها خواهد شد.

کلیدواژگان: جهانی شدن، فرهنگ، فرهنگ جهانی، قومیت، مدرنیته، موسیقی کردی هویت.

a_mohammadpur@yahoo.com
tavghahasanpur@yahoo.com

^۱ استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه بوعلی همدان
^۲ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه و بیان مسئله

دهه‌های پایانی قرن ۲۰ و سال‌های آغازین قرن ۲۱ با بحث‌های پرتنش پیرامون چیستی فرایندهایی همراه بوده است که جهان کنونی را با تحولاتی مواجه ساخته‌اند که تا کنون جامعه بشری نظیر آن را تجربه نکرده است. تجربه‌ای که بر اساس نظریه دهکده جهانی مارشال مک‌لوهان^۱، رشد و پیشرفت فناوری‌های اطلاعاتی و گسترش فزاینده و بی‌سابقه ارتباطات انسانی در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، شرایطی را پدید آورده است که انسان قرن ۲۱ خود را در زیست - جهانی متفاوت با هم‌نوعان پیشین خود درک می‌کند. در این شرایط جدید اهمیت قاطع مرزبندی‌های میان افراد و جوامع، که هویت‌های متمایزی را برای آنان رقم می‌زنند، به صورت تدریجی معنای وجودی خود را از دست می‌دهند. در این میان شاید رایج‌ترین مفهوم در دوران اخیر که در تلاش برای توصیف و تبیین جهان معاصر شکل گرفته است، مفهوم جهانی‌شدن^۲ باشد که عبارت است از شبکه‌ای از پیوندهای متقابل مناسبات اجتماعی در عرصه‌ی جهانی که به کم‌رنگ شدن مرزهای زمانی و مکانی و آگاهی بیشتر مردم دنیا از درهم تنیدگی ناشی از فروکش فزاینده مرزها می‌انجامد.

اگرچه اصطلاح رایج جهانی‌شدن با توسعه‌ی بازارهای جهانی همراه بوده است اما از اواخر سال ۱۹۶۰ جهانی‌شدن در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متجلی شد که به دلیل سرشت پیچیده، متکثر، متفاوت و حتی متضاد گردش پدیده‌های فرهنگی در سطح جهان، به نظر می‌رسد که روزه‌روز بر اهمیت آن در مسائل و موضوعات فرهنگی جهان افزوده می‌شود. عواملی چون بیداری و خیزش انواع هویت‌های قومی، نژادی، مذهبی، جنسی، زبانی و زیست‌محیطی از دهه‌های ۱۹۷۰ و ظهور هویت‌های متقاطع و شناور، نظیر فرهنگ دیاسپورا^۳، رواج ایدئولوژی‌های مصرف در جوامع مختلف و افزایش تقاضاهای فراملی شهروندان و نمونه‌های بسیار دیگر، از جمله پدیده‌هایی هستند که ضرورت توجه به رابطه جهانی‌شدن با مسائل فرهنگی را در عرصه جهانی ایجاد می‌نماید.

جهانی‌شدن در بعد فرهنگی، از طریق بازسازی زمان و فضا به بازسازی روابط و کنش‌های اجتماعی در بستری جهانی می‌پردازد و با وسیع‌تر شدن گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کنشگران به شکل‌گیری فرهنگی جهانی^۴ می‌انجامد که در آن فرهنگ‌ها به‌رغم محصور بودن به گونه‌ای تاریخی در جریانی عظیم از وام‌گیری، تبادل و ابداع‌های فرهنگی قرار می‌گیرند. از این رو

¹ Macluhan

² globalization

³ Diaspora

دیاسپورا: مهاجران پراکنده اجتماع یک گروه قومی یا مذهبی که در سراسر جهان مهمان فرهنگ‌های میزبان گردیده‌اند.

⁴ global culture

تجربه رایج زندگی روزمره در دنیای مدرن به شکل رسوخ رویدادها، رابطه‌ها و فرآیندهای دوردست در زیست - جهان‌های محلی تعریف می‌شود (گل محمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

فرهنگ مهم‌ترین منبع هویت‌ساز به شمار می‌آید، بنابراین جهانی شدن فرهنگ، هویت و معنا را با چالش‌هایی چون پیدایش هویت‌های جدید، احیاء هویت‌های قدیم و دگرگون شدن هویت‌های موجود مواجه می‌سازد و همواره هویت‌های ملی را با چالش‌هایی، مربوط به بقا، یا زوال فرهنگ‌های محلی و هویت‌های خاص، در رویارویی با فرهنگ جهانی و هویت‌های عام مواجه می‌سازد. این اهمیت‌یابی و برجسته شدن فرهنگ در کل دو جنبه اساسی را در برمی‌گیرد: جنبه نخست، همگون و یکدست شدن فرهنگی جهان است که در فرآیند جهانی شدن، یک فرهنگ معین را با وجه غالب فرهنگ غربی و به ویژه آمریکایی، جهانی می‌کند و فرهنگ‌های دیگر را به هضم و جذب، یا مقاومت و رویارویی وامی‌دارد. جنبه دوم اهمیت فرهنگ در جهان کنونی، به تراکم یا اضافه تولید فرهنگی مربوط می‌شود. جهانی شدن در عین حال که دربرگیرنده نیروهای همگون‌ساز فرهنگی است؛ جهان را به بازاری برای عرضه محصولات فرهنگی گوناگون تبدیل می‌کند. در این بازار گسترده اگرچه برخی فرهنگ‌ها حضوری چشمگیر دارند، اما مانعی جدی بر سر راه حضور فرهنگ‌های دیگر وجود ندارد. انسان امروز در هرکجای این جهان پهناور باشد، کم‌وبیش می‌تواند محصولات فرهنگی متنوعی را مصرف کند. به قول هنرز انسان، سرانجام به جهانی پا گذاشته است که یک موزاییک فرهنگی، دارای تکه‌پاره‌های جداگانه را در برمی‌گیرد (هنرز^۱، ۲۰۰۰: ۳۳۱)

هویت‌های قومی از جمله مهم‌ترین مسائل محلی در رویارویی با فرهنگ جهانی هستند، این هویت‌ها در جهان مدرن همواره در مرزهای سیاسی و اجتماعی هویت‌های ملی، محصور بوده‌اند و از این رو در عرصه جهانی امکان چندانی جهت ابراز وجود نداشته‌اند. هویت‌های قومی امروزه با توجه به نقش مؤثر جریان‌ها و شبکه‌های رسانه‌ای و فروریزی انواع مرزبندی‌های هویتی، از جنبه‌های مختلف تحت نفوذ گسترده فرهنگ‌ها و هویت‌های غیرخودی قرار گرفته‌اند. به همین جهت هویت‌های قومی همواره در تلاش برای تداوم و حفظ موجودیت خود، موضوع مجادله بوده‌اند. جهانی شدن، با رها کردن امر اجتماعی از قید مکان و گسترش آن در سراسر جهان و در اختیار گذاردن منابع متعدد معنا‌ساز، به مقاومت هویت‌های قومی به شیوه‌های آرام یاری می‌رساند و در این جریان، هویت‌ها در برابر جریان‌های همگون‌ساز و مسلط غیرخودی با توسل به عناصر فرهنگی و نمادهای معنادار بر متمایز بودن خود تأکید می‌کنند و از یکسان شدن با فرهنگ‌های مسلط سرباز می‌زنند و در نتیجه به بازآفرینی خود و بازاندیشی در شرایط این بازآفرینی می‌پردازند. با توجه به آنچه گفته شد، تلاش قومیت‌ها برای ابراز وجود و استمرار موجودیت خود در مؤلفه‌های مختلف فرهنگی مانند موسیقی نمود می‌یابد.

^۱ Hannerz

کارکرد اصلی موسیقی در توانایی آن در بیان آسان حس جمعی و هویت فرهنگی نهفته است. در هر متن موسیقایی، طیفی از مصداق‌های فرهنگی درج می‌شود که از طریق عمل نواختن، رقصیدن و خواندن بی‌درنگ زنده می‌شوند، مشارکت در این به اجرا گذاشتن موسیقایی، از رقص‌های جمعی گرفته تا گذاشتن یک نوار سی‌دی در یک دستگاه پخش موجب برانگیختن و بیدار کردن و سر و سامان دادن به خاطره‌های جمعی می‌شود و تجربه‌های مربوط به مکان را آکنده از چنان شدت، قدرت، سادگی و وضوحی می‌کند که هیچ فعالیت اجتماعی دیگری قادر به آن نیست (استاکس^۱، ۱۹۹۴: ۳). بر همین اساس دانشمندانی نظیر تیادی نورا، استدلال می‌کنند که افراد موسیقی را به عنوان بخشی از منابع فرهنگی لازم برای جریان دائم ساختن خود به کار می‌گیرند. به نظر او عمل کاملاً شخصی گوش دادن به موسیقی، بخشی از ساختن ذهنیت فردی است. عملی که خود را به شیوه‌ای زیبایی‌شناختی و بازتابی حفظ و بازسازی می‌کند. در این معنا موسیقی تجربه‌ای را دائماً می‌سازد یا تجربه‌ای را بازسازی می‌کند. ممکن است درباره کیفیت خاص یک تجربه سخنی گوید یا لحن یک تجربه را تعیین کند. حتی ممکن است شکل و رنگ یک تجربه اجتماعی را تعیین کند یا تغییر دهد و به این ترتیب ابزاری کارآمد برای برپایی عاملیت و هویت اجتماعی به شمار آید. (دینورا^۲، ۲۰۰۰: ۱۹)

زیباشناسان و فیلسوفان هنر کوشیده‌اند، هنر را از زوایای سه‌گانه هنر، هنرمند و مخاطب بنگرند (رامین^۳، ۱۳۸۷: ۲). محقق در این پژوهش سعی کرده است تا تحولات هویت محلی و قومی و توانایی موسیقی کردی در برپایی این هویت را از دیدگاه مخاطبان کرد مورد واکاوی قرار دهد. در این پژوهش، موسیقی کردی به عنوان منبعی فرهنگی مورد کنکاش قرار گرفته است که مجموعه‌ای از معناها و نمادهای فرهنگی و هویتی کردی را در خود انباشته دارد.

دلیل تأکید بر موسیقی به علت خاصیت نمادین آن به مثابه عنصری فرهنگی است، زیرا نمادها را هر جا و هر زمان می‌توان تولید کرد و تولید و بازتولید آنها از لحاظ منابع، محدودیت‌های نسبتاً اندکی دارد. افزون بر این نمادها به آسانی قابل نقل و انتقال هستند و مهم‌تر اینکه چون آنها اغلب می‌کوشند به ویژگی‌های بنیادی و ماهوی انسان متوسل شوند، بنابراین می‌توانند مدعی اعتبار و اهمیت کلی و جهانی شوند. (واترز^۴، ۱۹۹۶: ۷۵)

نگارنده در مقاله حاضر تلاش می‌کند با تحلیل نگرش دانشجویان کرد دانشگاه گیلان راجع به ارتباط هویت کردی با الگوهای مصرف موسیقی به‌طور عام و موسیقی کردی به‌طور خاص به درک و دریافتی واضح از روند جهانی شدن و تأثیر آن بر هویت قومی بپردازد. زیرا به قول کلارک، در دنیای امروز تصمیم‌گیری درباره اینکه کدام موسیقی را گوش می‌دهید بخشی از

¹ Stokes

² Dynora

³ Ramin

⁴ Waters

تصمیم‌گیری درباره اعلام کردن این موضع به دیگران است که شما نه تنها می‌خواهید چه کسی باشید، بلکه شما چه کسی هستید (کلارک^۱، ۱۹۷۶: ۸). این مقاله درصدد پاسخ دادن به این پرسش‌ها است:

۱ - آیا در عصر تبادل اجتناب‌ناپذیر فرهنگ‌ها و در عین حال تراز نابرابر مبادله فرهنگی، هویت‌های قومی مانند هویت کردی توانایی حفظ موجودیت از یک‌سو و ابراز وجود از سوی دیگر را خواهند داشت؟

۲ - آیا هویت‌های قومی مانند هویت کردی، می‌توانند خود را از طریق عناصر نمادین فرهنگ مانند موسیقی ابراز کنند و به موجودیت خود استمرار بخشند؟

۳ - آیا موسیقی کردی می‌تواند در سامان دادن به بحران هویت افراد کرد، منبع قابل توجهی باشد؟

اهمیت و اهداف

در بیان اهمیت این پژوهش می‌توان گفت: از آنجایی که جهانی شدن فرآیندی اجتناب‌ناپذیر است، باید از جهات مختلف مدیریت شود تا به جای هراس از بحران، بتوان به بهره‌برداری صحیح از منابع مختلف و امکانات متنوع هویت‌سازی پرداخت؛ حال آنکه مدیریت آن بدون شناخت این منابع و اثرگذاری آنها امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین پژوهش‌هایی از این دست با کمک به شناخت بهتر آگاهی‌های قومی، ملی و جهانی، ابزاری خواهند بود در جهت مهار آگاهی تا ضمن حفظ معیارهای هویت بومی (قومی - ملی) به بازاندیشی در این هویت‌ها، یکپارچگی و مانایی آنها در شرایط پرشتاب کنونی یاری رساند. لازم به ذکر است که در جوامع چند قومی، حفظ و حراست از اتحاد ملی انجام چنین پژوهش‌هایی را ضروری‌تر می‌سازد. بر این اساس، اهداف کلی زیر در این تحقیق مدنظر قرار دارند:

۱ - بررسی روند تأثیرات جهانی شدن بر حیات هویت‌های قومی در ایران (برای نمونه هویت کردی)

۲ - شناخت ویژگی‌ها و شاخصه‌های قومیت در شرایط فراگیر ورود نمادهای فرهنگ جهانی در راستای حفظ و حراست از وفاق ملی

۳ - تلاش جهت شناخت منابع فرهنگی/ هویتی مورد توجه قومیت‌های ایرانی (برای نمونه قوم کرد) در تلاش برای بالفعل کردن توان بالقوه این منابع در رویارویی با امواج همگون‌ساز و چالش‌آفرین فرهنگ جهانی

¹ Clark

مروری بر مطالعات پیشین

گستره پیشینه‌ای که با موضوع هویت جهانی شدن مرتبط باشد گستره‌ی پیچیده‌ای است؛ به ویژه که جهانی شدن و تأثیرات آن بر هویت، بخشی جدی از دغدغه‌های جوامع علمی را در چند دهه اخیر تشکیل می‌دهد. میتوس^۱ (۲۰۰۰)، در کتابی با عنوان *فرهنگ جهانی و هویت فردی* به تحلیل قدرت انتخاب افراد از فرهنگ‌های مختلفی می‌پردازد که در بازار کالاهای فرهنگی عرضه می‌شود. نویسنده مصاحبه‌های عمیق با سه گروه، که دارای تقابل و تضادی آشکار در این زمینه‌اند انجام می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد فرد انسانی، نقش کسی را بازی می‌کند که در جستجوی جایگاه است و سعی دارد تا تضاد بین جایگاه فرهنگی و بازار کالای فرهنگی را به طریقی حل کند و از آنجایی که زندگی مردم به انتخابشان بستگی دارد؛ محاسبات آنها در انتخاب، توصیف‌کننده مشکلاتی است که در روند هویت‌سازی با آن روبرو و دست به گریبان هستند.

فدرستون^۲ (۱۹۹۵) در مجموعه مقالاتی تحت عنوان *فرهنگ جهانی با استفاده از روش تحلیلی- نظری*، به تحلیل اثرات جهانی شدن بر حاکمیت دولت - ملت‌ها به عنوان منابع عمده هویت‌سازی مدرن می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که ما در سطح جهان با سه سطح از فرهنگ در مقیاس بزرگ مواجه هستیم: فرهنگ ملی، فرهنگ میان‌کشوری و فرهنگ فراکشوری که فدرستون آن را فرهنگ سوم می‌نامد. وی چنین جمع‌بندی می‌کند که فرهنگ جهانی تضعیف‌کننده حاکمیت دولت - ملت‌ها یا عامل جذب دولت - ملت‌ها در واحدهای بزرگ‌تر و دولت جهانی است و این امر را در دگرگونی‌های هویتی جوامع عاملی بسیار قابل تأمل به شمار می‌آورد. (فدرستون، ۱۹۹۵)

عاملی (۲۰۰۲) در کتاب با عنوان *جهانی‌شدن، آمریکایی‌شدن و هویت مسلمانان بریتانیا* نشان تأثیرات فرایند جهانی شدن بر هویت مسلمانان انگلیس را نشان می‌دهد. نویسنده واکنش جامعه مسلمانان انگلیس، نسبت به نیروهایی که موجب جهانی شدن می‌شوند را در شکل پاسخ‌هایی جهت هم‌شکلی با این فرایند و یا تنوع‌گزینی و فاصله‌گیری از آن می‌داند. جهان - محل‌گرایی بر همگون شدن هویت مسلمانان در سطح محلی تأثیر می‌گذارد و در همان حال نیروهای جهانی به ناهمگون شدن هویت‌های خاص مسلمانان در سطح جهانی می‌انجامد. عوامل مؤثر بر هویت‌یابی به غیر از نیروهای محلی و جهانی از عوامل تاریخی نیز تأثیر می‌پذیرند.

محسنیان راد (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان *آسیب‌شناسی مخاطب‌پنداری، در حوزه رسانه‌ها، جهانی‌شدن و عصر پس از دهکده جهانی* به سیر تحول نقش‌پنداری، از انسان‌های مقابل رسانه‌ها، از موجودی منفعل به موجودی فعال یا ارتباط‌گیر می‌پردازد که بارزترین خصلت

¹ Mathews

² Featherstone, M

ارتباط‌گیر، استقلال او در انتخاب مبتنی بر نیازها است؛ این امر حاصل تحولاتی است که جهانی شدن مهم‌ترین آنها است. پژوهشگر به این نتیجه می‌رسد که به دلیل تأخیر کشورهای درحال توسعه در دستیابی به رسانه‌های جدید سیر تحول نقش‌پنداری طی نشده است و پدیده مخاطب‌پنداری، در برخی کشورهای درحال توسعه، در آینده آسیب‌های جدی به مخاطبان وارد خواهد کرد.

امیری و رضایی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان *ابعاد سیاسی جهانی شدن و قومیت در ایران* با استفاده از پرسش‌نامه و مطالعه میدانی، ابعاد سیاسی و اجتماعی هویت چهار قوم ایرانی شامل کردی، بلوچ، آذری و عرب، مورد بررسی قرار داده‌اند. نتیجه کلی حاصل از مطالعه مذکور که صرفاً دیدگاه دانشجویان منتخب اقوام مزبور را نشان می‌دهد، این است که جهانی شدن تا حدودی سبب به حاشیه راندن تعصبات و شاخصه‌های فرهنگی، غیر از زبان، شده است؛ اما از جهات سیاسی منجر به افزایش اشاعه دموکراتیزاسون، فرصت برابر برای مشارکت سیاسی و اقتصادی، کاهش شکاف مرکز - پیرامون از طریق بودجه‌ریزی منصفانه برای محرومیت‌زدایی و اشتغال‌زایی می‌شود.

قاسمیانی (۱۳۸۲) در پژوهشی تحت عنوان *جهانی‌شدن و هویت قومی با روش مطالعه موردی کردستان عراق* به مطالعه رابطه جهانی شدن و هویت قومی در چهارچوب نظریه گیدنز و استیگلز می‌پردازد و چنین نتیجه‌گیری می‌کند که اگرچه جهانی شدن فرصت‌هایی را در اختیار هویت‌های محلی قرار می‌دهد ولی نوعی نظم ارگانیک میان امواج جهانی شدن و پدیده‌های محلی - سرزمینی وجود دارد که اصالت را به انواع فرایندهای جهانی شدن می‌دهد.

چارچوب نظری

ریچارد جنکینز هویت را پیش‌نیاز هرگونه زندگی اجتماعی می‌داند، به باور او اگر محور و مبنای زندگی اجتماعی را برقراری ارتباط پایدار و معنادار با دیگران بدانیم، هویت اجتماعی چنین امکانی را فراهم می‌کند. به بیان دیگر بدون وجود چارچوب‌های مشخصی که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را آشکار می‌سازند، افراد یک جامعه، امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر را نخواهند یافت (جنکینز، ۱۳۸۱: ۶).

هویت اجتماعی به شیوه‌هایی که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند اشاره دارد و برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد و جماعت‌ها است. شباهت و تفاوت با هم اصول پویای هویت و عمق زندگی اجتماعی هستند؛ به عبارتی هویت اجتماعی درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیست‌اند و از آن طرف درک دیگران از خودشان و افراد دیگر از جمله خود ما چیست؟

مید و کولی این نظریه را مطرح می‌کنند که؛ از تعامل میان "خود" به عنوان ترکیبی جاری و در عمل هم‌زمان با تعریف "خود درونی" و تعاریف "خود" که دیگران عرضه می‌کنند، "خود برونی" حاصل می‌شود. خود بیرونی الگویی است که بر مبنای آن دیالکتیک درونی - برونی شناسایی به عنوان فرایندی عمل می‌کند که به واسطه آن همه هویت‌های مهم از فردی و جمعی ترکیب می‌یابند. از دیدگاه مید، هر فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد. بنابراین هویت هرگز امری یک‌جانبه نیست، بلکه آنچه ما هستیم در عین حال مفرد و جمع است. ما نه فقط خود را می‌شناسیم، بلکه دیگران را نیز می‌شناسیم و همچنین از سوی دیگران نیز شناخته می‌شویم (جنکینز، ۱۳۸۳؛ به نقل از مید^۱، ۱۹۶۴: ۶۳).

تاجفل بر مبنای دیدگاه فوق هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و عضویت گروهی را متشکل از سه عنصر می‌داند:

- ۱ - شناختی: آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد.
- ۲ - ارزشی: فرض‌هایی درباره پیامدهای ارزشی مثبت.
- ۳ - احساسی: احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه خاص با آن گروه دارند.

هویت اجتماعی از دیدگاه تاجفل عبارت است از آن بخش از برداشت یک فرد از خود که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه/گروه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، همواره با اهمیت ارزشی و احساسی منظم به آن عضویت (تاجفل^۲، ۱۹۸۷: ۷۶).

هویت، معطوف است به بازشناسی مرز میان خودی و بیگانه که از طریق هم‌جنسی‌های اجتماعی و انفکاک درون گروه از برون گروه‌ها ممکن می‌شود. از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی، گروه‌های قومی هستند که مانند دیگر گروه‌های اجتماعی با رجوع به دیالکتیک درونی - برونی همواره خود را شناسایی می‌کنند و در عین حال از سوی دیگران نیز شناخته می‌شوند.

بارث^۳ الگویی از هویت قومی به عنوان هویتی اجتماعی ارائه می‌کند که در آن هویت‌ها در جریان تعامل به وجود می‌آیند و دست کم به طور بالقوه هم که باشد انعطاف‌پذیر، منوط به واقعیت و قابل چون و چرا کردن هستند، قاعده کلی در نظریه بارث این است که گروه‌های قومی توسط مردم در تعامل اجتماعی و در حرکت میان مرزها شناخته می‌شوند. این مرزها جنبه جغرافیایی ندارند؛ بلکه ساخت اجتماعی متراکمی هستند و هنگامی موجودیت می‌یابند که مردمی به عنوان "خاص" تعریف شده‌اند و در هر زمینه که آن خاص بودن مهم است به تعامل می‌پردازند؛ در این فرایند معیار و ملاک عضویت در گروه خاص و نیز عواقب مترتب به این

¹ Mead

² Tajfel

³ Basrth, F

عضویت تصور می‌یابد (جنکینز: ۱۳۸۰، به نقل از بارث: ۴۱۰). مرزهای گروه قومی، مکانیسم‌هایی را برای حفاظت از گروه در اختیار دارند که شاخص‌هایی فرهنگی را برای شناخت تفاوت میان گروه‌ها مشخص می‌کنند. این شاخص‌ها چند ویژگی دارند: نمادین هستند، یک عضو را از غیر عضو متمایز و شرایط عضویت را مشخص می‌کنند و در واکنش به شرایط و محیط‌های اجتماعی خود را نمایان می‌سازند (منینگ ناش^۱، ۱۹۹۶: ۲۱). مرزهای هویت‌های قومی همواره از طریق کنش‌های اجتماعی درون و بیرون اجتماع‌های قومی تعریف، تحدید و تولید می‌شوند. عناصر لازم برای ساخت هویت و مرز قومی توسط فرهنگ تعیین می‌شود. مرزهای قومی گزینه‌های هویتی، ترکیب اعضا، میزان عضویت و شکل سازمان قومی را تعیین می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهند که ما که هستیم؟ فرهنگ هم محتوا و معنای قومیت را تأمین می‌کند و به این پرسش پاسخ می‌دهد که ما چه هستیم؟ (ناگل^۲، ۱۹۸۳: ۲۵۹).

مسئله قومیت و رابطه آن با جهانی شدن همواره در میان طیفی از مخالفان و موافقان رشد قوم‌گرایی قرار داشته است، گروهی از اندیشمندان مانند کاستلز معتقد هستند که هویت‌های قومی در فرآیند جهانی‌شدن، رشد می‌کنند و ما شاهد شکل‌گیری جریان‌های هویت‌یابی قومی جدید یا به تعبیری قومیت نوین هستیم که به رشد دولت - ملت‌های جدید در عرصه جهانی و تشدید کشمکش‌های قومی منجر می‌شود. گروهی دیگر مانند فدرستون از ادغام هویت‌های قومی در هویت‌های عام و جهانی سخن می‌گویند یا بر آن هستند که تفاوت‌های محلی بیشتر به شکل هویت‌یابی ملی در برابر جهانی شدن رخ می‌نمایاند که در هر صورت این ایده مشتمل بر هضم هویت قومی در برابر فرهنگ جهانی یا فرهنگ ملی خواهد بود. در این میان اندیشمندانی چون رونالد رابرتسون به توضیح پیرایش یک فرهنگ جهان - محل‌گرایی می‌پردازد که در آن هم فرهنگ‌های مختلف محلی و هم یک فرهنگ مشترک جهانی هر دو جایگاه خود را دارند؛ استدلال رابرتسون این است که باید هم به وجه خاص حیات معاصر و تفاوت، هم به وجه عام حیات معاصر هر دو توجه کامل شود. بر این اساس شرایط سراسری بازنمایی هویت در وضعیت معاصر اشاره به این دارد که در زمان حاضر هویت را باید در رابطه با دو واکنش به فرایند جهانی‌شدن مورد توجه قرار دهیم یکی عام‌گرایی و دیگری خاص‌گرایی.

عام‌گرایی، آن دسته از واکنش‌های فرهنگی را شامل می‌شود که به شکل‌گیری و گسترش فرهنگ جهانی اشاره دارد و دربرگیرنده اصول، ارزش‌ها و معیارهایی درباره بشریت است که می‌توانند از حیث دامنه و اهمیت، جهانی باشند. اعتبار چنین اصول، ارزش‌ها و معیارهایی به علایق و تعلقات محلی، قومی، زبانی، نژادی و دینی فرد بستگی ندارد (گل‌محمدی، ۱۳۸۶).

¹ Maning Nash

² Nagel

عام‌گرایی فرهنگی دربرگیرنده انواع گوناگون و پرشماری از روابط و مواضع اجتماعی است و عام‌گرایی فرهنگی بخشی از آنها را تشکیل می‌دهد که بر انطباق، انعطاف، آمیزش، تعدیل و تفاهم استوار است و توسل به گفت‌وگو و هم‌پذیری را مناسب‌ترین و عملی‌ترین موضع هنگام برخورد با اطلاعات، افکار و ارزش‌ها و دیدگاه‌های جدید، می‌دانند (پیترسون^۱، ۱۹۹۹: ۱۹).

شمار بسیار زیادی از واکنش‌های فرهنگی در جهان معاصر در تقابل با عام‌گرایی فرهنگی، شکل می‌گیرد که از آنها به عنوان خاص‌گرایی فرهنگی نام برده می‌شود. خاص‌گرایی آن دسته از اندرکنش‌ها را شامل می‌شود که بر بی‌همتایی فرهنگ بومی، محلی و خاص، در تقابل با فرهنگ جهانی تکیه دارد و همواره با توسل به عناصر هویت‌بخش بومی و محلی در جست‌وجوی بنیادها، اصالت و هویت ناب است (گل‌محمدی، ۱۳۸۶). بسیاری از گروه‌های خاص‌گرا کل فرایند جهانی‌شدن یا بخشی از آن را با عبارات و عناوین متفاوت رد می‌کنند؛ از دیدگاه آنها جهانی‌شدن، نه تنها تهدیدی جدی به شمار نمی‌آید بلکه فرایندی گریزناپذیر و غیرقابل بازگشت هم نیست.

برخلاف عام‌گرایی فرهنگی که کم‌وبیش با نسبیت باوری فرهنگی ویژگی می‌یابد و بر هم‌پذیری استوار است، خاص‌گرایی فرهنگی، تساهل را بر نمی‌تابد؛ البته این ویژگی در رابطه با خاص‌گرایی‌های فرهنگی گوناگون، نسبی است و از گروه و بستری به گروه و بستری دیگر متفاوت است بر همین اساس سه نوع خاص‌گرایی را می‌توان شناسایی کرد.

۱ - خاص‌گرایی منزوی که به رهیافت فرهنگی گروه‌هایی اطلاق می‌شود که می‌کوشند به شیوه‌های مختلف گروه خود را از محیط اجتماعی جهانی دور نگه دارند و بیشتر درصدد ایجاد فضای بسته فرهنگی هستند (پیترسون، ۱۹۹۹: ۲۱ - ۲۰).

۲ - نوع دوم خاص‌گرایی را می‌توان خاص‌گرایی سرسخت و ستیزه‌جو نامید، که مطلق‌اندیش است و برتری فرهنگی خاص را ادعا می‌کند، با این تفاوت که در خاص‌گرایی مورد نظر، جهانگیر شدن فرهنگ مورد نظر رسالتی غیرقابل چشم‌پوشی قلمداد می‌شود (همان).

۳ - نوع سوم خاص‌گرایی، خاص‌گرایی ریشه‌دار است که می‌کوشد تمایز گروه‌های متأثر از فرایند جهانی‌شدن را حفظ کند. این خاص‌گرایان از گرایش‌های ادغام‌گر فرایند مورد نظر آگاه هستند ولی بر حفظ تنوع در برابر آن ادغام و همگرایی تأکید می‌کنند (همان).

پژوهش حاضر اهداف اولیه خود را با عنایت به دو واکنش و اندرکنش فرهنگی مذکور دنبال می‌کند و بر مبنای دیالکتیک خاص‌گرایی - عام‌گرایی مطرح‌شده در نظریه جهانی‌شدن رابرتسون، به جستجو برای پاسخی مناسب به سوالات پژوهش می‌پردازد.

جهانی‌شدن بنا به تعریف رابرتسون مفهومی است معطوف به فشردگی جهان و تشدید و افزایش آگاهی از آن مانند یک کل (همان) بر این اساس، تعریفی دو وجهی از جهانی‌شدن عرضه

¹ Peterson

می‌شود که هم جنبه عینی جهانی‌شدن و هم جنبه ذهنی آن را در برمی‌گیرد. جنبه عینی جهانی‌شدن، به معنی فشرده شدن جهان در عالم واقعیت و جنبه ذهنی آن شکل گرفتن آگاهی نسبت به این جهان درهم‌فشرده است. رابرتسون پیدایش یک عرصه واحد جهانی را تنها از رهگذر نظریه‌ای اراده‌گرایانه مورد بررسی قرار می‌دهد. در اساس، درک او از یکپارچگی جهانی پیرامون بر اساس معیاری است که عاملان اجتماعی موجودیت، هویت و کنش خود را با آن می‌سنجند (تاملینسون^۱، ۱۹۹۹: ۲۷۰). از این رو یکپارچگی جهانی در نظریه جهانی شدن رابرتسون به معنای یک شکل ساده‌اندیشانه چیزی چون فرهنگ جهانی نیست؛ بر عکس، یک وضعیت اجتماعی و پدیدار شناختی پیچیده است از وضعیت جهانی- انسانی که در آن سطوح مختلف زندگی انسان، با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند.

رابرتسون قائل به چهار سطح عمده ارجاع در بحث جهانی شدن معاصر است: ۱ - جوامع ملی ۲ - افراد ۳ - نظام جوامع در روابط بین‌الملل و ۴ - نوع بشر. جهانی‌شدن به طور فزاینده‌ای ایجاب می‌کند تا وضعیت جهانی - بشری را پیرامون این چهار مقوله مفهوم‌بندی کنیم. هر یک از این چهار مقوله توسط سه مؤلفه دیگر مشروط می‌شوند. به‌طور مثال فرد به واسطه عضویت در جوامع معین، عضویت در نوع بشر و همین‌طور تحول در شرایط بین‌المللی به طور فزاینده‌ای به الزامات جدید مقید می‌شود. این سطوح به واسطه درهم تنیدگی تعاملات و ارتباطات در جهان معاصر بیش از پیش در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند و ناچارند بیشتر یکدیگر را به حساب آورند، این نه به معنای یکپارچگی مبتنی بر همگنی و نه به معنای ادغام جوامع نیست بلکه الگویی است که در آن تفاوت در جهان، به‌طور کلی شناسایی می‌شود، در نتیجه ساختارهای ارتباطی جهانی با بیداری فراگیری از این واقعیت برای ارتقای اجتناب‌ناپذیر تمام رویدادهای محلی تا سطح یک جهان واحد ترکیب می‌شوند (رابرتسون^۲، ۱۳۸۳: ۸). در جریان جهانی شدن در عین حال که فرهنگ‌های خاص گوناگون به یکدیگر نزدیک می‌شوند و فرهنگ‌هایی عام شکل می‌گیرند، توسل به عناصر هویت‌بخش خاص فرهنگی در درون مرزهای هویتی نیز تشدید می‌شوند و به موازاتی که امکان‌های فراوانی برای همزیستی، تبادل و آمیزش فرهنگی به وجود می‌آید، خاص‌گرایی‌های گوناگون فرهنگی نیز موجودیت می‌یابند. از این رو ما در دوران معاصر در یک فرآیند عظیم دو وجهی هستیم که هم‌زمان متضمن عام گردانیدن خاص و خاص گردانیدن عام است و بخش عمده‌ای از واکنش‌های فرهنگی در جهان معاصر از دیالکتیک عام‌گرایی و خاص‌گرایی سرچشمه می‌گیرند (همان).

مسئله تنوع و تکثر فرهنگی از یک‌سو و ظهور یک فرهنگ مشترک جهانی از سوی دیگر با توجه به رویکرد بیان‌شده دیگر به صورت یک موقعیت متناقض تعریف نمی‌شود؛ زیرا این دو به

¹ Tamlinson

² Robertson

جهت عام‌بودگی توقع خاص‌بودگی از یک‌سو و توقع افزاینده عام‌بودگی از سوی دیگر با یکدیگر پیوند خورده‌اند. این پدیده اخیر، خاص گردانیدن عام‌بودگی مبتین این اندیشه است که عام باید در قالب جهانی - بشری انضمامیت پیدا کند؛ درحالی‌که در جریان نخست یعنی عام گردانیدن خاص‌بودگی متضمن انتشار گسترده این فکر است که در حقیقت برای خاص بودن، یکتا بودن، تفاوت و دیگر بودگی نهایی نیست (همان).

فرایند جهانی‌شدن صرفاً معطوف به یک فرهنگ جهانی نیست، بلکه معطوف به این است که مردم چگونه به‌طور فزاینده‌ای فرهنگ‌ها، سنت‌ها و هویت‌های محلی از جمله هویت‌های قومی خود را در قالب الگوهای جهانی‌شده عام می‌سازند و در همان حال وجوه کلان زندگی را به زبان بومی برمی‌گردانند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر در زمره تحقیقات کیفی جای می‌گیرد که در آن از روش مصاحبه از نوع عمیق استفاده شده است، روش‌های کیفی می‌توانند ابزارهایی را برای کشف حوزه‌هایی که ما به طور عمیق آنها را نمی‌فهمیم در اختیار بگذارند. آنچه در روش‌های کیفی برجسته است عبارت‌اند از:

۱ - در این روش پژوهشگر با اطلاعات و منابع پژوهشی به طور طبیعی مواجه می‌شود. مقصود از رویکرد طبیعی، خارج نکردن منبع از جایگاه آن در متن است.

۲ - تحلیل داده‌ها در روش کیفی با بهره‌گیری از استقراء و اصل انگاشتن ویژگی‌های داده‌ها صورت می‌گیرد.

۳ - در روش کیفی پژوهشگر هنگام شروع کار افق‌های کار پژوهش را اجمالاً تعیین می‌کند؛ اما همواره با یک افق گشوده حرکت می‌کند و مستمراً اهداف را بر اساس مقتضیات داده‌ها بازسازی می‌کند.

۴ - پژوهش‌های کیفی در زمره روش‌های میان‌رشته‌ای به حساب می‌آیند، این روش‌ها آمیزه‌ای از روش‌های پژوهشی جامعه‌شناسی، نقد ادبی و ... هستند. نکته مهم این است که پیشاپیش هر یک از این روش‌ها برای پژوهش فرض نمی‌شوند بلکه پژوهشگر بر حسب اقتضائات متن، یک یا چند روش را به کار می‌برد.

۵ - در روش‌های کیفی پژوهشگر نباید دغدغه معرف بودن و تعمیم‌پذیری را به معنای محدود آن به خاطر راه دهد بلکه در عوض باید به فکر درستی و مناسبت یا آنچه ربط‌پذیری نامیده می‌شود باشد. (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۲۵ - ۲۸۸)

شیوه گردآوری اطلاعات و جمعیت مورد مطالعه

تحقیق حاضر به بررسی و تحلیل تجارب و نگرش‌های بیست و چهار نفر از دانشجویان کرد دانشگاه گیلان می‌پردازد. در این پژوهش برای اینکه محقق بتواند نگرش دانشجویان به عنوان مخاطبان موسیقی کردی را دریابد و اینکه افراد چگونه میان هویت قومی‌شان و مصرف موسیقی ارتباط معنایی برقرار می‌کنند با آنها مصاحبه عمیق داشته باشد.

محقق در انتخاب نمونه‌ها جهت مصاحبه از روش نمونه‌گیری تصادفی قصدمند استفاده کرد. معیاری که برای انتخاب پاسخگوها در نظر گرفته شد در درجه اول کرد بودن افراد و تائید این هویت از جانب خودشان و دیگری دانشجوی بودن آنها بوده است. دانشجوی بودن مصاحبه‌شوندگان از دو جهت برای محقق و کار تحقیق حائز اهمیت بوده است؛ یکی به دلیل دستیابی دانشجویان به منابع متعدد معنا و مراجع گفتمانی، غیر از گفتمان‌های مسلط در فضای دانشگاه و دیگری ارتباط این افراد با افراد و گروه‌های دانشجویی از قومیت‌های مختلف در دانشگاه است. برای انتخاب پاسخگوها بعد از آشنایی با یک یا چند نفر از دانشجویان کرد از آنها خواسته شد دوستانی را که کرد هستند و با انجام مصاحبه مشکلی ندارند به محقق معرفی کنند. در ابتدا محقق با پنج نفر از افراد مصاحبه کرد و آنها را از چند و چون موضوع تحقیق آگاه کرد و هماهنگی لازم برای مصاحبه در مرحله بعدی فراهم شد. مکان لازم برای انجام مصاحبه‌ها در حد امکان با انتخاب مصاحبه‌شوندگان بود. پس از مصاحبه با پنج نفر اول، با اجازه افراد شرکت‌کننده، اظهارات و سخنانشان ضبط گردید و به کمک بازبینی‌های مجدد مصاحبه‌های این افراد سوالات تحقیق پی‌ریزی شد و پس از آن مصاحبه با نوزده نفر دیگر از دانشجویان ادامه یافت که نیمی از آنها دختر و نیمی دیگر، دانشجویان پسر بودند.

مصاحبه با تعداد بیست و چهار نفر به این دلیل بود که محقق در بین این تعداد، به فرآیند تکرار رسید. به عبارت دیگر با افزوده شدن افراد بیشتر به مصاحبه، بینش‌ها و یافته‌های جدید به دست نیامد و افراد شرکت‌کننده در تحقیق تقریباً تجارب و ایده‌های یکسانی را بازگو می‌کردند. بنابراین پس از مصاحبه با نفر بیست و چهارم، فرآیند مصاحبه متوقف گردید. فرآیند مصاحبه در حد امکان باز بود و زمان هر مصاحبه به طور میانگین سی تا چهل دقیقه به طول انجامید.

محقق در مصاحبه با افراد، موسیقی را به دو بخش ایرانی و غیرایرانی دسته‌بندی و موسیقی ایرانی را به دو نوع کردی و غیرکردی تقسیم کرد و از افراد خواست تا تجارب شخصی‌شان را راجع به هویت قومی و نمود آن در مصرف موسیقی بیان کنند و اینکه آیا هویت قومی این افراد در رویارویی با هویت‌های سترگی که به متن فرهنگی آنها نفوذ می‌کند تا چه اندازه می‌توانند در زندگی روزمره این افراد جایگاه خود را حفظ کند و در این زمینه آیا موسیقی می‌تواند در برپایی هویت و عاملیت این افراد نقش داشته باشد؟ از پاسخگویان درباره میل و

علاقه‌شان به موسیقی کردی و غیرکردی و جایگاه موسیقی کردی در زندگی روزمره‌شان سؤال شد و از رابطه این علاقه با هویت قومی‌شان و اینکه چه اندازه موسیقی کردی می‌تواند به احساسات و ایده‌های این افراد راجع به این هویت نمود ببخشد، از نحوه دستیابی مصاحبه‌شوندگان به انواع موسیقی‌های ایرانی و غیرایرانی و از بینش آنها نسبت به کارکردی که نوع خاصی از موسیقی می‌تواند در ابراز هویت قومی داشته باشد پرسش به عمل آمد.

پرسش‌های انجام شده به طور کلی شامل هفت پرسش به شرح زیر است:

- ۱ - شما به چه نوع موسیقی‌هایی (ایرانی یا غیر ایرانی) بیشتر تمایل دارید؟ چرا؟
- ۲ - از میان هر کدام از انواع موسیقی به کدام یک از مؤلفه‌های زیر شامل سبک، محتوا، زبان، تعلق به قوم و ملتی خاص و ... اهمیت می‌دهید؟ چرا؟
- ۳ - از میان انواع موسیقی‌ها چه محتواهایی را مطلوب نظر خود می‌دانید؟ چرا؟
- ۴ - از چه طریقی با موسیقی‌های مطلوبتان آشنا می‌شوید، لطفاً روش‌ها و منابع دسترسی خود به متون مختلف موسیقی را بیان کنید.
- ۵ - به نظر شما کردی یا غیر کردی بودن موسیقی می‌تواند در انتخاب آن به عنوان موسیقی مورد علاقه‌تان تأثیر داشته باشد؟
- ۶ - از میان انواع موسیقی‌های کردی، موسیقی‌های سنتی را بیشتر می‌پسندید یا موسیقی‌های مدرن را؟ چرا؟
- ۷ - در میان انواع موسیقی‌های کردی چه محتواهایی برای شما از مطلوبیت بیشتری برخوردار است؟

اظهارات دانشجویان پس از انجام مصاحبه با دقت بسیار بازنویسی شدند و پس از بازخوانی و بازبینی‌های مکرر اظهارات آنها، مفاهیم مشترک و مضامین نهایی تحقیق طبقه‌بندی شدند و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. اسامی افراد به دلیل حفظ هویت شخصی شرکت‌کننده‌ها با نام‌های مستعار و به انتخاب محقق آمده است.

یافته‌های پژوهش

دانشجویان مصاحبه‌شونده با توجه به نگرش‌هایشان در مورد ارتباط هویت قومی‌شان، با انتخاب، تمایل و علاقه به متون موسیقی به دو گروه خاص‌گرا و عام‌گرا دسته‌بندی شده‌اند. مهم‌ترین شاخص‌های عام‌گرایی عبارت‌اند از: نسبت باروی، پذیرش عمومیت زبان واحد در سراسر جهان، پذیرش دیدگاه‌های جهان‌میهنی و صلح، امنیت و آزادی فردی، کمرنگ شدن تعلقات قومی و میهنی، تأکید بر انطباق و آمیزش و مهم‌ترین شاخص‌های خاص‌گرایی عبارت‌اند از: ذات باوری، تلاش برای بازسازی روایت تاریخی خاص، تأکید بر خلوص و اصالت فرهنگی خاص، تأکید بر

تعلقات قومی و میهنی و مقاومت در برابر فرآیندهای همگون ساز. با توجه به این شاخص‌ها مصاحبه‌شوندگان در دو گروه مذکور دسته‌بندی شده‌اند.

گروه عام‌گرا

دانشجویانی در دسته عام‌گرا قرار داده شده‌اند که تعلقاتشان به هویت کردی در گرایش آنها به موسیقی کردی نقشی تعیین‌کننده ندارد. این افراد در تعلق به فرهنگ و هویت‌های غیر کردی از جمله هویت‌های ملی و جهانی دیدگاهی انعطاف‌پذیر دارند. مفاهیم مورد تأکید این افراد در انتخاب و علاقه به موسیقی کردی یا غیر کردی به شرح ذیل است.

ارتباطی غیرمستقیم میان هویت کردی و انتخاب متون موسیقی

دانشجویان عام‌گرا عمدتاً در میان انواع موسیقی، بسته به علایق و شرایط خاص روحی، احساسی و فکری‌شان دست به انتخاب می‌زنند و این انتخاب بدون در نظر گرفتن کردی و غیر کردی بودن موسیقی‌ها انجام می‌شود.

”من از موسیقی یک اصالت هنری می‌خوام به همین دلیل به هر موسیقی‌ای از کردی و فارسی گرفته تا انگلیسی و ... که بتونه با روح من ارتباط احساسی برقرار کنه علاقه دارم، ارتباطی ثابت و پایدار که گذر زمان و تکرار نتونه لذتش رو برای من کم‌رنگ کنه“ (سعید)

زبان کردی ترانه‌ها و فضای آهنگ‌های کردی از دلایل عمده گرایش این افراد به موسیقی کردی است، زیرا زبان کردی به عنوان زبان مادری فهم ترانه‌های کردی را برایشان آسان‌تر می‌کند. فضای موسیقی‌های کردی به سبب هم‌خوانی بیشتر با محیط، شرایط و تجربیات فردی و جمعی زندگی‌شان، برای این افراد مأنوس‌تر به نظر می‌رسد.

”من در کنار انواع موسیقی ایرانی و غیر ایرانی به موسیقی‌های فولکلور کردی هم علاقه دارم این‌چور آهنگ‌ها با بیان ساده و عامیانه از مسائلی که در اطراف من روی می‌دهد یا در گذشته در محیط من وجود داشته حرف می‌زند و چیزهایی رو که من از بزرگ‌ترها شنیدم با گوش دادن به این آهنگ‌ها می‌تونم تصور کنم و این ملموس بودن خیلی برای من شیرینه“ (سمیه)

مصاحبه‌شوندگان عام‌گرا به مسائل دیگری مانند صدای هنرمند هم اشاره می‌کنند. مثلاً شهین می‌گوید: ”من بیشتر به صداها، منظور نوای هنرمندهاست که اهمیت می‌دم“ یا کاوان با

اشاره به سبک موسیقی می‌گوید: ”سبک تند غربی رو ترجیح می‌دم و سبک موسیقی برای من از هر چیزی مهم‌تره“.

موسیقی کردی به عنوان منبعی برای شناخت هویت کردی

مصاحبه‌شوندگان عام‌گرا موسیقی کردی را نوعی چهارچوب مرجع برای حصول معرفت از هویت کردی به شمار آورده‌اند این افراد بنا به اظهاراتشان به دنبال مسئله‌ساز شدن هویت کردی‌شان در رابطه با دیگر افراد از قومیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوت، تمایلاتشان به موسیقی کردی بیشتر یا به عبارتی تأملی‌تر شده است. این دسته از مصاحبه‌شوندگان، در جریان پرسش از خود، جهت شناخت هویت قومی‌شان، معمولاً به دو گونه واکنش نشان داده‌اند:

- ۱ - کنجکاوی در برابر هویت قومی‌شان و در نتیجه مراجعه به منابع فرهنگی و کردی مانند موسیقی، با هدف شناخت هویت قومی‌شان.
- ۲ - تمایل به شناساندن این هویت به دیگران غیر کرد با استفاده از منابع معناساز فرهنگی مانند موسیقی.

”من همیشه موسیقی کردی را تا حدی گوش می‌دادم اما بعد از ورود به دانشگاه به موسیقی کردی بیشتر متمایل شدم تا به نحوی فرهنگ کردی رو بهتر بشناسم، موسیقی کردی به من کمک کرد تا چیزهایی را که در دایره ارزش‌های من قرار دارند بهتر درک کنم، ارزش‌هایی که در روح من بالقوه وجود داشتند و با رجوع به موسیقی کردی بالفعل شدند. حرف‌هایی که هیچ موسیقی دیگری به زیبایی و وضوح موسیقی کردی برای من بیان نمی‌کنند“ (سمیه).

مصاحبه‌شونده دیگری در مورد جستجوی آهنگ‌های کردی به عنوان یکی از منابع فرهنگی قومی خود چنین ابراز می‌دارد:

”من از طرق مختلف سعی می‌کنم موسیقی‌هایی را که بهشون علاقه دارم دانلود کنم مثلاً من از سایتی بنام توربو همیشه آهنگ‌هایی را که به آن علاقه دارم دانلود می‌کنم ولی نکته جالب اینکه در این سایت تمام آهنگ‌های کردی قدیمی هم که حتی ممکنه تا حالا نشنیده باشم وجود داره، شاید باورتون نشه آهنگ‌های کردی از این سایت دانلود کرده‌ام که اصلاً نمی‌تونید فکرشم بکنید که در چنین سایتی در کنار به‌روزترین آهنگ‌های غربی وجود داشته باشن“ (آریان).

دانشجویان عام‌گرا برای موسیقی به عنوان منبعی برای شناساندن هویت کردی به کردها و دیگران غیرکرد اهمیت قائل هستند و بنابراین خواهان امروزی شدن سبک‌ها و ویژگی‌های موسیقی کردی هستند، طوری که نه تنها مخالف ورود عناصر زبانی و موسیقایی غیرکردی به موسیقی کردی نیستند بلکه حتی ورود این عناصر را مایه غنای بیشتر موسیقی کردی و اثرگذاری بیشتر آن می‌دانند.

”من جوانم و میل به تغییر دارم و به همین جهت از سبک‌های قدیمی خوشم نمی‌آید. مثلاً سبک‌های دلخواه من راک و متال هستند و دلم می‌خواد با همین سبک‌ها هم موسیقی کردی گوش بدم، مثلاً من از طریق راک فارسی، بسیاری از اشعار حافظ را که اصلاً به شعرهاش علاقه نداشتم توانستم حفظ کنم و حافظ را بهتر بشناسم، پس کاربرد سبک‌های جدید در موسیقی کردی هم می‌تونه همین‌طور باشه“ (ناکو)

بیان مسائل جمعی کردها با زبان‌ها و سبک‌های غیرکردی در موسیقی است و با تأکید بر زبان انگلیسی از نمونه‌های رویکرد به موسیقی برای شناساندن فرهنگ کردی به دیگران غیر کرد است.

”به نظر من موسیقی می‌تونه من کرد رو حتی با زبانی غیرکردی به افراد غیر کرد بشناسونه، مثلاً شاهین جعفر قلی در سوگ مایکل جکسون تنها ایرانی بود که به اجرای برنامه پرداخت و اونجا گرچه انگلیسی خوند اما ایرانی بودنش واقعاً جلب توجه کرد یا مثلاً پسر کردی که برنده جایزه معتبر موسیقی در سوئد شد، کُرد بودنش در شناساندن مردم کرد به غیر کردها خیلی می‌تونه تأثیر داشته باشه، از طرف دیگه وقتی در موسیقی کردی از تنظیمات جدید سبک‌های مدرن استفاده می‌شود، مخاطبان بیشتری را به خودش جلب می‌کنه“ (اوین)

تمایل به نادیده گرفتن مرزهای قومی و ملی در بهره‌گیری از موسیقی

این گروه از افراد تأکید بسیاری بر شباهت‌های خودشان به عنوان یک انسان کُرد با افراد سایر اقوام و ملل جهان دارند و نیز نسبت به هویت ملی خود و ارتباط آن با هویت قومی‌شان جهت‌گیری توأم با پذیرش ارزش‌های ملی دارند. مثلاً ویان می‌گوید: ”من اول یک ایرانی هستم بعد یک کُرد. اگر قرار باشد هر کدام از قومیت‌ها خودشون رو جدا از فرهنگ ملی بدونند از فرهنگ اصیل ایرانی چیزی باقی نمی‌مونه“.

این گروه با مرزبندی‌های قومی و ملی در موسیقی مخالف هستند و ارزش و منزلت یکسانی از لحاظ تعلق به قومیت خاصی برای موسیقی قائل نیستند. تأکید آنها بر بیان مفاهیم

مشترک انسانی یا لذت‌های مشابه در موسیقی است. مثلاً کاوان می‌گوید: ”به نظر من موسیقی کلامیه که از روح و احساس آدم‌ها نشأت می‌گیرد از عمق روح آدم‌ها و آدم‌ها در عمق روحشون، احساسشون، تجربیات درد و خیلی چیزهای دیگر، همه مثل هم هستند؛ و این مثل هم بودن‌ها در موسیقی‌هاشون تجلی پیدا می‌کنه“.

آهنگ‌هایی با محتوای عاشقانه، اعتراض به جنگ، فقر، تخریب محیط‌زیست از جمله مضمون‌های مطلوب این افراد است. به طور کلی محتوای عاشقانه در بین همه افراد و سایر موضوع‌های در بین نیمی از افراد مورد اشاره قرار گرفته است.

داشتن حسی از تعلق نسبت به موسیقی کردی به نسبت سایر موسیقی‌ها

گفته‌ای گروه عام‌گرا نوعی از حس تعلق و تملک نسبت به موسیقی کردی را نشان می‌دهد که ریشه در تعلق خاطر این افراد به هویت کردی دارد.

”یک تفاوت عمده در گوش دادن به موسیقی کردی و غیر کردی برای من وجود داره و اون اینه که وقتی به موسیقی کردی گوش می‌دم، مدام در حال سبک، سنگین کردن آهنگی هستم که دارم بهش گوش می‌دم چون دلم می‌خواد از سایر موسیقی‌ها کم نیاره، بهتره بگم دلم می‌خواد همیشه از اینی که هست بهتر و بهتر بشه“ (توار)

”موسیقی‌های کردی با سبک‌های جدید که من در کنار آهنگ‌های خارجی گوش می‌دم، ضعف‌های زیادی به خاطر نوپا بودن دارن؛ اما با وجود ضعف‌هاشون، من این موسیقی‌ها رو گوش می‌دم و حتی لذت زیادی هم می‌برم و فکر می‌کنم دلیلش کردی بودن اونها ست وقتی موسیقی کردی‌ای با سبک جدید می‌شنوم که خوب کار شده، از درون احساس افتخار می‌کنم“ (امین)

یک چهارم از مصاحبه‌شوندگان عام‌گرا تعلق خاطر خاصی نسبت به موسیقی کردی در مقایسه با سایر موسیقی‌ها نداشته‌اند. دانشجویان عام‌گرا موسیقی را منبعی برای بازنمودن ارزش‌ها، افکار، آمال و احساساتشان در نظر می‌گیرند که بدون توجه به تعلق ملی، قومی یا نژادی توانایی بالایی در ابراز اشتراکات انسانی دارد. شکل‌گیری علاقه این افراد به نوع خاصی از موسیقی به توانایی آن موسیقی در برقرار کردن ارتباط با فکر و احساس آنها (مخاطبان) بستگی دارد. از نکات بسیار اساسی در نگرش این افراد به موسیقی کردی این است که موسیقی کردی دربردارنده مجموعه‌ای از معرفت‌ها، احساس‌ها و تجربه‌های فردی و جمعی آشنا است که در شناخت هویت قومی خود از آن بهره می‌گیرند. موسیقی کردی می‌تواند ابزاری برای شناساندن

هویت کردی را به دیگران غیر کرد باشد. این افراد اگرچه در برابر هویت‌های غیر کردی از جمله هویت‌ها و فرهنگ‌های ملی و جهانی بسیار انعطاف‌پذیر به نظر می‌رسند اما با این حال حس نیرومند هویت قومی خود را حفظ می‌کنند و تلاش برای بازسازی این هویت، شناخت و شناساندن آن برای این افراد حائز اهمیت است.

گروه خاص گرا

گروهی از مصاحبه‌شوندگان در دسته خاص گرا قرار داده شده‌اند که تعلقات هویتی آنها در گرایششان به انواع موسیقی کردی و غیرکردی نقشی تعیین‌کننده دارد. مفاهیم مورد تأکید این افراد در انتخاب و علاقه به موسیقی کردی و غیر کردی به شرح ذیل است.

وجود ارتباط مستقیم میان هویت کردی و انتخاب متون موسیقی

مصاحبه‌شوندگان خاص گرا در میان انواع موسیقی‌های کردی و غیر کردی اولویت را به موسیقی کردی می‌دهند به نظر این افراد گوش دادن به آوازاها، ترانه‌ها و آهنگ‌های کردی راهی برای شناخت معنای کرد بودن تلقی می‌شود. در نظر افراد خاص گرا، تمایل، انتخاب و مصرف موسیقی کردی، ارج و ارزش نهادن به کرد بودن و تملک این هویت است.

”موسیقی کردی در هر حال برای من در درجه اول اولویته، چون یادآور کرد بودن منه، آواز هویت من و صد درصد متعلق به من و فرهنگ من، گوش دادن به موسیقی‌های کردی با دغدغه‌های درون من بسیار ربط پیدا می‌کنه، چون من کرد بودن خودم را بسیار جدی می‌گیرم“ (لیلا)

اهمیت موسیقی کردی در زنده نگه داشتن زبان کردی در جمله دلایل ارزش‌گذاری آن است. زبان کردی در نظر این افراد بسیار حائز اهمیت است و اهمیت آن صرفاً معطوف به نقش ارتباطی آن نیست بلکه این زبان مؤلفه‌ای قابل توجه در حفظ هویت کردی به شمار می‌آید.

”موسیقی کردی، در نهاد خودش زبان کردی رو که شناسنامه هویت کردیه حفظ می‌کنه، منی که درسم رو با زبان غیرکردی می‌خونم و طوری به زبان رسمی عادت دارم که حتی خاطراتم رو با زبان کردی نمی‌تونم بنویسم و حتی نامه‌های دوستانه‌ام رو به فارسی می‌نویسم و به شدت به زبان انگلیسی برای پیشبرد کارهام نیاز دارم و درصدد یادگیری بیشتر انگلیسی هستم، با گوش دادن به موسیقی کردی خیلی از کلمات کردی که از طریق آوازاها و ترانه‌ها می‌شنوم در ذهنم

ماندگار می‌مونم، بخصوص که بسیاری از ترانه‌های دلنشین کردی را تکرار می‌کنم“ (جمال)

تأکید بر موسیقی کردی به‌عنوان ابزاری برای حفظ هویت قومی

این گروه از مخاطبان موسیقی کردی، دیدگاهی شدیداً اعتراضی به شرایطی دارند که حفظ و موجودیت هویت قومی آنها را به مخاطره می‌اندازد و برای مقابله با چنین جریانی به عناصر فرهنگی از جمله موسیقی متوسل می‌شوند. این افراد با مصرف موسیقی کردی و اهمیت دادن به آن به نوعی به مقاومت در برابر هر جریانی می‌پردازند که محو، هضم و یا انکار هویت محلی آنها را در خود دارد، واکنشی در برابر نادیده گرفته شدن یا به حاشیه رانده شدن.

”من چند سال پیش چندان تمایلی به موسیقی کردی نداشتم، ولی در یک نرم‌افزار فرهنگ لغت انگلیسی، واژه کرد، به عنوان قومی کوچ‌نشین در کوهستان‌های فلات ایران ترجمه شده بود این موضوع من را خیلی تحت تأثیر قرار داد، بعد از آن من به داشته‌های هویتی خودم عرق بیشتری پیدا کردم، چون همین داشته‌هاست که کردها رو آن‌طور که هستند معرفی می‌کند“ (آرین)

موسیقی کردی از هر نوعی، حامل پیام‌های هویتی است که دریافت این پیام‌ها، به تداوم هویت قومی یاری می‌رساند. مثلاً هاوری می‌گوید: ”موسیقی کردی یعنی بخشی بسیار جدی از هویت محلی، در یک آهنگ غنائی و عاشقانه، وقتی از یک دختر کرد حرف می‌زنه، اونجا کرد بودن اون دختره که برای من به ارزش اون آهنگ اضافه می‌کنه“.

”من شخصاً موسیقی‌های میهن‌دوستانه‌ی کردی را ترجیح می‌دهم. وقتی در یک ترانه گفته می‌شود کوردستان نیشتمانی جوان (کردستان سرزمین زیبا) این زیبایی، زیبایی‌ای است که روح من از کودکی با آن آشناست و درک چنین آهنگی از احساساتی نشأت می‌گیرد که ریشه در کیستی من دارد. من دلم می‌خواست هنرمندان برجسته‌ای که به سبک فولکلور ترانه‌های غنائی و عاشقانه می‌خوانند هم از مضامین میهن‌دوستانه بهره بگیرند چون این کار به زنده نگه داشتن احساس‌هایی کمک می‌کند که به هویت قومی مردم مربوط است“ (محسن)

گرایش به حفظ اصالت موسیقی کردی

گروه خاص‌گرا به موسیقی‌های سنتی کردی تمایل دارند زیرا یک قومیت و هویت نیازمند شیوه بیان خاص خویش است. این بیان به شیوه خاص کردی، توانایی پایداری بیشتر به این موسیقی و

به هویت مربوط به آن را می‌بخشد. ویان می‌گوید: ”من در میان موسیقی‌های کردی، سنتی‌ها را بیشتر دوست دارم، فضای کردی که در این آهنگ‌ها وجود دارد و فضای نوستالژیکی که در آن موسیقی‌ها وجود دارند را هزاران بار، به موسیقی‌هایی که سایر فرهنگ‌ها در اون غلبه دارن، ترجیح می‌دهم.“

افراد خاص‌گرا، مخالف ورود عناصر غیرکردی به موسیقی کردی نیستند اما در صورتی که این عناصر در متن و زمینه‌ای از مؤلفه‌های موسیقی کردی وارد شوند به عبارتی افراد خاص‌گرا در صورتی ورود عناصر موسیقایی و فرهنگی غیرکردی به موسیقی کردی را مطلوب می‌شمارند که برتری و غلبه مؤلفه‌های موسیقایی و فرهنگی کردی، در اثر حفظ شود. آنها در مقابل غلبه با عناصر موسیقایی و مؤلفه‌های فرهنگی غیرکردی در برخی آهنگ‌های کردی، واکنشی توأم با دلزدگی و حتی اعتراض دارند.

”من از آهنگ‌های غیرکردی خوشم میاد. مثلاً آهنگ‌های ترکی یا عربی، ولی وقتی آهنگ‌های کردی را با اون سبک‌ها می‌خونم اصلاً نمی‌تونم تحملشون کنم. انگار روحم به من میگه که نباید اجازه بدم این جور آهنگ‌ها در هیچ شرایطی وارد روزها و لحظه‌های من بشن“ (هیوا).

”دوست ندارم به آهنگ‌هایی که خیلی به شکل تقلیدی کار می‌کنن گوش بدم چون با گوش دادن، به آنها بها دادم و من عمیقاً دوست ندارم به چیزی که فرهنگی غیرکردی را وارد فرهنگ کردی می‌کنن و تهدیدی برای فرهنگ کردی به شمار میاد، بها بدم“ (ریبین).

موسیقی غیر کردی و ارتباط معنایی و احساسی با هویت کردی

گروه خاص‌گرا نیز مانند عام‌گرایان بر اساس مشابهت‌هایی که در روحیه و احساس افراد در همه‌جای دنیا وجود دارد علاقه‌مند به موسیقی‌های خاص هستند مثلاً بیشتر افراد خاص‌گرا به عاشقانه‌های خارجی گوش می‌دهند و از آن لذت می‌برند، مضمون‌های جهان‌شمولی مانند آزادی، عدالت، حقوق بشر، ضدیت با جنگ و ... را نیز مورد تأیید قرار می‌دهند؛ اما بیشتر افراد خاص‌گرا به آن دسته از موسیقی‌های غیرکردی و خارجی توجه می‌کنند که با کرد بودن و هویت کردی آنها بتواند ارتباط احساسی و معنایی برقرار کند، یا به عبارتی مخاطبان بتوانند آن را نمودی از واقعیت‌های انسانی - قومی خود به شمار آورند. زانیار با اشاره به ریتم برخی از آهنگ‌های خارجی می‌گوید: ”از خیلی از آهنگ‌های غیر کردی و غیر ایرانی، به خاطر ریتمشون خوشم میاد بخصوص اگر ریتم حماسی داشته باشند، این سبک حماسی بسیار شبیه آهنگ‌های کردیه.“

موسیقی‌های غیرکردی و حتی غیر ایرانی در صورت داشتن محتوا و مضمونی مشابه و مرتبط در با مسائل جمعی و تاریخی مردم کرد مورد توجه افراد گروه خاص‌گرا قرار می‌گیرند.

ریبوار می‌گوید: ”عاشق صدای جیپسی کینگ هستم، چون صدایی زخمی داره، صدای زخمی جیپسی کینگ برای من یادآور زخم‌هایی است که در گذشته تاریخ مردم کرد در کشورهایی مانند عراق وجود داشته“. یافته‌ها گویای این مطلب است که تمایلات خاص‌گرایانه از نوع خاص‌گرایی ریشه‌دار (نوع سوم خاص‌گرایی) است.

مصاحبه‌شوندگان خاص‌گرا اگرچه موسیقی کردی را به دلیل توانایی در بازنمود احساسات و تعلقات فکری و روحی خود در اولویت قرار می‌دهند، اما این به معنی حفظ هویت در حصارها و مرزهای غیرقابل نفوذ فرهنگی نیست، افراد خاص‌گرا موسیقی‌های غیرکردی را زندگی روزمره‌شان مصرف می‌کنند و مفاهیم عمومی مورد تأکید گروه عام‌گرا را نیز در دایره علائق و ارزش‌های خود قرار می‌دهند، با این تفاوت که گروه خاص‌گرا احساس خودی بودن بیشتر به موسیقی کردی دارند و بر این خودی بودن تأکید قابل توجهی دارند و آن را به عنوان بخشی از هویت قومی‌شان در درجه بالایی از ارزش و اهمیت قرار می‌دهند.

مخاطبان خاص‌گرا، موسیقی کردی به ویژه سبک‌های اصیل و سنتی را فعالانه در به عنوان روش‌هایی برای معنا دادن به زندگی جمعی به کار می‌برند، فرایند معنابخشی دربردارنده تعریف مفاهیم و نشانه‌های هویتی است که برای تعیین موقعیت خود و تمایز در برابر صدمات همگون‌ساز ملی و جهانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. در نظر این افراد موسیقی کردی از طریق معانی و پیام‌های هویتی، به برانگیختن احساس‌هایی در افراد یاری می‌رساند که تداعی‌کننده خاطرات جمعی و گذشته مشترک است که به صورتی نمادین در آگاهی از حضور خود می‌تواند با قدرت بسیار ایفای نقش کند.

این افراد با مصرف موسیقی کردی و بها دادن به آن و مصرف متون آن در شرایطی که امکان دسترسی به انواع موسیقی‌ها به واسطه گسترش رسانه‌های جمعی وجود دارد به لحاظ نمادین به هر آنچه به معنی تهاجم به هویت کردی یا انکار آن هویت باشد، اعتراض می‌کنند. لازم به ذکر است که همه دانشجویان ورود به دانشگاه را عاملی مؤثر در گرایش و تمایل بیشتر یا تأملی‌تر به موسیقی کردی ذکر کرده‌اند و غالباً دو دلیل عمده را در این مسئله تأثیرگذار دانسته‌اند.

۱ - تعامل با دانشجویان غیر کرد و آشنایی با فرهنگ‌های متفاوت که زمینه‌ساز پرسش از هویت کردی‌شان بود.

۲ - دسترسی بیشتر به منابع گفتمانی و معرفتی مختلف که زمینه‌ساز جستجوی تأملی در هویت قومی‌شان را فراهم نموده است مانند کتب، مجلات، سایت‌های اینترنتی.

بررسی گفته‌های دانشجویان نشان می‌دهد که تأثیر فضای دانشگاه بر انتخاب و مصرف موسیقی در مورد دانشجویان گروه عام‌گرا با دانشجویان گروه خاص‌گرا به شکلی متفاوت اثرگذار

بوده است. طوری که غالباً در مورد گروه خاص‌گرا به شکل واکنشی برای اثبات وجود هویت کردی و در مورد گروه دوم به شکل واکنشی جهت شناخت هویت کردی نمود یافته است.

جدول ۱: دسته‌بندی جمعیت مورد مطالعه بر حسب گرایش‌های عام‌گرا و خاص‌گرا

سلیقه موسیقایی	دختر	پسر	تعداد
عام‌گرا	۸	۶	۱۴
خاص‌گرا	۴	۶	۱۰
کل	۱۲	۱۲	۲۴

منبع: نگارنده

بررسی و تحلیل نگرش‌های مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد، که می‌توان میان نمود شاخص‌های عام‌گرایی و خاص‌گرایی، با مفاهیم مورد تأکید این افراد، ارتباطی به شرح زیر برقرار کرد.

شاخص‌های گروه عام‌گرا

- ۱ - نسبی‌ت‌باوری در مقوله وجود ارتباط غیرمستقیم میان هویت کردی و انتخاب موسیقی.
 - ۲- پذیرش دیدگاه جهان میهنی، کمرنگ شدن تعلقات قومی و میهنی و همچنین شاخص پذیرش عمومیت زبانی واحد در سراسر جهان در مقوله تمایل به نادیده گرفتن مرزهای قومی، ملی و نژادی در بهره‌مندی از موسیقی.
 - ۳- تأکید بر انطباق و آمیزش در مقوله گرایش افراد به امروزی بودن و میل به تغییر.
 - ۴- پذیرش دیدگاه‌های آزادی و بهزیستی فردی و صلح و امنیت در بیان علاقه افراد به مضامین و محتواهای ضد جنگ، ضد فقر، ضد تبعیض نمود یافته‌اند.
- وجود مقوله‌های؛ داشتن حسی از تعلق به موسیقی کردی نسبت به سایر موسیقی‌ها و توجه به موسیقی کردی به عنوان منبعی برای شناخت هویت کردی، نمود بخشی از شاخص‌های خاص‌گرایی است که عبارت‌اند از تأکید بر تعلقات قومی، میهنی و تلاش برای بازسازی روایت تاریخی خاص.

شاخص‌های گروه خاص‌گرا

- ۱ - تأکید بر تعلقات میهنی در مقوله وجود ارتباط مستقیم میان هویت کردی افراد و انتخاب متون موسیقی.
 - ۲ - تلاش برای بازسازی روایت تاریخی خاص و تأکید بر خلوص و اصالت فرهنگی خاص در مقوله‌ی گرایش به حفظ اصالت موسیقی.
 - ۳ - مقاومت در برابر فرآیندهای همگون ساز جهانی در مقوله تأکید بر اهمیت موسیقی کردی به عنوان ابزاری برای مقاومت.
- تلاش برای ایجاد فضای بسته فرهنگی از مهم‌ترین شاخص‌های خاص‌گرایی است و در تقابل با شاخص نسبیت‌باوری در عام‌گرایی قرار می‌گیرد که به دلیل وجود ارزش‌هایی چون انسان‌دوستی، صلح و امنیت، گرایش به موسیقی‌های ضد جنگ و موسیقی‌های انتقادی، در انتقاد به نابرابری‌های اجتماعی و ... در میان افراد خاص‌گرا تعدیل می‌شود. در واقع کردستان میهنی افراد که نمود شاخص تأکید بر سرزمین و مکان خاص است به دلیل پذیرش ارزش‌های فوق در کنار جهان میهنی افراد قرار می‌گیرد، نه در تقابل با آن. همچنین شاخص تأکید بر انطباق و آمیزش که از شاخص‌های عام‌گرایی است در مقوله تمایل مصاحبه‌شوندگان خاص‌گرا به موسیقی‌های غیر کردی، در صورتی که ارتباطی احساسی و معنایی با هویت کردی آنها برقرار سازد، نمود می‌یابد.

نتیجه‌گیری

گروه عام‌گرا و گروه خاص‌گرا با نگرش‌ها و سلیقه‌های متفاوت به موسیقی و ارتباط آن با هویت قومی خود می‌نگرند، اما تحلیل گفته‌های آنها حاکی از وجود تمایلی توأمان از عام‌گرایی و خاص‌گرایی در میان هر دو گروه است. هویت کردی افراد خاص‌گرا در میل و علاقه‌شان به انواع موسیقی کردی و غیر کردی نقشی تعیین‌کننده دارد؛ اما این به معنای عدم پذیرش سایر انواع موسیقی و مخالفت با ورود موسیقی‌های غیر کردی به شخصی‌ترین فضاهای روزمره آنها نیست. این گروه در جستجوی راهی برای بیان خود از طریق عناصر معناساز فرهنگ مانند موسیقی، با سایر موسیقی‌ها آشنا می‌شوند و به تبع آن گستره‌ای وسیع از سلیقه‌های متنوع در آنها شکل می‌گیرد که به نمود گرایش‌های عام در افکار و ایده‌هایشان می‌انجامد. در مورد افراد عام‌گرا نیز به همین ترتیب است، یعنی افراد عام‌گرا میان هویت کردی با انتخاب متون موسیقی ارتباطی غیرمستقیم برقرار می‌کنند اما هم‌زمان موسیقی کردی را منبعی می‌دانند که نوعی معرفت قومی را در اختیار آنها قرار می‌دهد. این گروه در جستجو به دنبال (خود) به انطباق موسیقی کردی با تجربه‌های زیسته خود پی می‌برند. در نتیجه افراد با کششی دوگانه با موسیقی‌های کردی و غیر کردی مواجه می‌شوند. در توضیح تمایلات دوگانه این افراد، تأمل در دو مسئله ضروری به نظر می‌رسد. اول مفهوم هویت، به منزله روایتی که مبنا و شالوده توضیح خود و غیر خود قرار

می‌گیرد؛ که در چهارچوبی قیاسی از شباهت و تفاوت و در جریانی از تعامل به وجود می‌آید و دیگری توجه به شرایط فرهنگی در نتیجه جهانی شدن، در چند دهه گذشته است زیرا فرآیندهای جهانی‌شدن فرهنگ، با افزایش ارتباطات از طریق پیشرفت و گسترش ابزارهای ارتباطی مدرن سبب می‌شوند در دنیای معاصر همه منابع فرهنگی مانند موسیقی، در عرصه جهانی حضور یابند و زمینه ارتباط متقابل هویت‌های مختلف را فراهم سازند.

جهانی شدن از طریق بازسازی فضا و زمان، نفوذپذیر کردن مرزها و گسترش چشمگیر فضای اجتماعی سبب پیچیدگی، تنوع و سیالیت امر فرهنگی می‌شود. در این فضا، معنا و اشکال معنادار برگرفته از منابع تاریخی در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند و به مقایسه روایت‌های هویت‌های مختلف می‌پردازند. در نتیجه گروه‌های قومی بر اساس ریشه‌ها، موقعیت و گذشته خود روایت‌های جدیدی با درک تفاوت‌ها و شباهت‌های میان خود و دیگران برای بازتعریف خود ارائه می‌کنند. این افراد نوع جدیدی از روایت خود را ایجاد می‌کنند که در آن ضمن مقایسه خود با دیگرهای مشابه از خاصیت و بی‌همتایی خود آگاه می‌شوند و به نوعی تکثرگرایی خودآگاه می‌رسند. (بیر^۱، ۱۹۹۶: ۳۰۶). هنرز با اشاره به تمایز محلی - جهان‌وطنی، می‌گوید که برای افراد محلی، تنوع و گوناگونی، همان اصلی است که امکان پایداری آنها به فرهنگ‌های خاص خود را فراهم می‌کند. البته لازم به ذکر است که بازسازی شدن تفاوت و تنوع صرفاً به معنای احیای فرهنگ‌های محلی و فضاهای بسته فرهنگی نیست بلکه علاقه جدید به خاصیت، با آگاهی از تأثیر گریزناپذیر فضای جهانی همراه است و در چارچوب منطق جهانی شدن عمل می‌کند. (مورلی و رابینس^۲، ۱۹۹۶: ۱۹ - ۱۵)

مخاطبان گُرد، در فضایی آکنده از مرزهای درهم‌تنیده فرهنگی امکان دستیابی به انواع منابع معنا ساز کردی و غیرکردی را در داخل مرزهای ملی و سرزمینی دارند. در این شرایط افراد به دنبال هویت قومی خود از میان انواع هویت‌های غیرکردی به کاوش می‌پردازند و به دنبال فرصتی برای روایت خود می‌گردند، روایت هویتی در حاشیه که پیش از این چندان فرصتی برای روایت نیافته بود. در جریان این فرآیند سوژه گُرد امروزی تفاوت و شباهت را در مورد قوم خود شناسایی می‌کند و در عین حال توانایی شناسایی و تعریف شباهت با دیگران متفاوت را می‌یابد که گرچه در کرد بودن متفاوت هستند اما در انسان بودن همانندند. گروه مورد مطالعه که با فضا و منابع گفتمانی متعدد در ارتباط هستند در برابر نفوذ نمادهای معنا ساز هویت‌های غیرکردی به دو گونه واکنش نشان می‌دهند:

۱ - باز کشف تفاوت‌ها در جریان تعامل با دیگران غیر کرد در افراد عام‌گرا.

¹ Beyer

² Merly, D & Rabins, K

۲ - باز کشف شباهت‌ها با دیگران غیر کرد در جریان تلاش برای تعریف مرزهای هویتی کردی و ابراز خود از سوی افراد خاص‌گرا.

بازکشف تفاوت‌ها یا آنچه هنرز آگاهی از خاصیت و بی‌همتایی خود می‌نامد، به حفظ هویت قومی در حین جهان‌وطن بودن یاری می‌رساند. امیر می‌گوید: ”من در موسیقی، مفاهیمی را ترجیح می‌دهم که به کلیت بشر مربوط باشد، اما این به معنی ترجیح دادن، بحث اولویت نه به معنی کنار گذاشتن هویت کردی یا نادیده گرفتن اون مثلاً آهنگ ”ده‌لالو“ به عمق احساس من رسوخ می‌کنه و هر جای دنیا باشم به اون عشق می‌ورزم“. این امر در مورد افراد خاص‌گرا که موسیقی کردی را در مقام روشی برای ابراز وجود و مقاومت در برابر نفی خود به کار می‌گیرند، به کشف شباهت‌ها می‌انجامد. شباهت‌هایی انسانی که موسیقی با بهره‌گیری از احساسات و لذت‌های انسانی، به شکل نمادین در شناسایی آنها یاری می‌رساند. رزگار می‌گوید: ”من به آهنگ‌های لورینا مک کنیت خیلی علاقه دارم، به من حس عجیبی میده و اون موسیقی با وجود اینکه کردی نیست من رو به ریشه‌هام برمی‌گردونه“. ویان مسئله اعتراض به جنگ را مطرح می‌کند: ”آهنگی از آناستازیا در اعتراض به جنگ به عنوان پدیده‌ای ضد بشری سروده شده و انسان‌ها رو به شکل آدمک‌هایی با همه چیزهایی که دارن، از جمله عشق در آتش می‌سوزاند. من به همچین آهنگی رو، هر جا و به هر زبانی گوش می‌دم و این یعنی اوج زیبایی“ یا مریم که می‌گوید: ”بعضی وقت‌ها آهنگ‌های خارجی را می‌شنوم که بی‌نهایت خوشم می‌آید حتی گاهی آرزو می‌کنم کاش این آواز با زبان کردی خوانده می‌شد“.

جهانی شدن چیزی نیست که به شیوه‌ای نظام‌مند یکسانی تولید کند. در واقع امر جهانی از طریق خاص بودن عمل می‌کند، با فضاها و قومیت‌های خاص، توافق حاصل می‌کند و از طریق بسیج کردن هویت‌ها و نظایرش عمل می‌کند، همیشه نوعی دیالکتیک پیوسته میان امر جهانی و تمایل به محدود شدن و محلی شدن وجود دارد. حرکت در این دو مسیر، دو وجه از حرکت واحد از دوره تحت سیطره فرهنگ‌های ملی به دوره جدید است. دوره‌ای که از طریق کشمکش هویت‌های حاشیه‌ای برای آمدن به صحنه تغییر شکل یافته است. تناقض اینجا است که در جهان ما هویت حاشیه‌ای مانند هویت قومی به فضایی قدرتمند بدل شده است. هر چند قدرت این فضا محدود است اما به هر تقدیر قدرت است (هال، ۱۹۹۶: ۲۴۵ - ۲۳۷)

این امر به معنای وجود فضایی آرمانی، با تمام شرایط برای سخن گفتن نیست به ویژه که تولیدات فرهنگ غربی، قابل مقایسه با فرهنگ‌های محلی نیست، اما به قول هال، مسئله این است که در چند دهه اخیر خاموش نگه داشتن زبان‌ها و گفتمان‌ها امکان‌پذیر نیست. آریان در سایت توربو، انواعی از آهنگ‌های خارجی و هم‌زمان بسیاری از آهنگ‌های کردی را دانلود می‌کند. آهنگ‌هایی کردی که عام‌گرایان آنها را بخشی از منابعی خودشناسی قومی می‌دانند. تلاش برای درک عنصر خلاقانه هنر مدرن همواره ما را به نوعی در ارتباط با زبان هنری مناطق

حاشیه‌ای قرار می‌دهد، در همان حال نمی‌توان در جهان امروز موسیقی محلی یا سنتی را یافت که نوای موسیقی‌های دور و نزدیک را نشنیده باشد و به تنظیم‌های جدید بی‌اعتنا باشد (همان: ۲۴۷). زیبایی‌شناسی موسیقی کردی و تأثیر آن در برپایی هویت قومی، نوعی زیبایی‌شناسی دورگه است دانشجویان خاص‌گرا از موسیقی کردی، انتظار حفظ اصالت و در عین حال به تنظیم‌های جدید علاقه دارند. در میان عام‌گرایان، پذیرش تنوع و به روز شدگی حتی با زبان و سبک‌های غیر کردی مورد تأکید است، زیرا می‌تواند ابزاری برای بیان هویت کردی مسائل آن به شمار آید. کاوان می‌گوید: ”فرقی ندارد که با چه زبانی مسائل مردم کرد بیان شود مهم این است که این مسائل طوری بیان می‌شود که درکی عمومی در پی داشته باشد“.

در پاسخ به سؤال سوم می‌توان چنین گفت: ۱ - به موسیقی کردی با مشخص ساختن فضاهای فرهنگی کردی به مخاطبان خود مجال شناخت و روایت خود را می‌بخشد. در نتیجه به ساخت و بیان هویت کردی می‌پردازند. ۲ - موسیقی کردی با فراهم کردن زمینه تعامل نمادین در شکل دادن به پندارهای اشتراک داشتن با دیگران غیر کرد ایفای نقش می‌کند. گروسبرگ بر این باور است که ”فهم موسیقی مستلزم طرح این پرسش است که موسیقی به هواداران خود، چه چیزی می‌دهد، چه فرصت‌ها و امکاناتی را در اختیار آنها می‌گذارد و چگونه به هواداران خود توان و قدرت اعطا می‌کند؟ و آنها چگونه به موسیقی قدرت بیشتری می‌دهند“ (بنت^۱، ۱۳۸۶، به نقل از گروسبرگ^۲، ۱۹۸۶: ۵۲). با توجه به تحلیل‌های انجام‌شده در پژوهش حاضر می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که:

موسیقی کردی با آماده ساختن زمینه چانه‌زنی و دادوستد نمادین، در شرایط جدید جهانی، به ساخت و بیان هویت کردی در میان مخاطبان خود می‌پردازد، به آنها مجال شناخت خود و روایت خود را می‌دهد و آنها با برپایی هویت قومی قدرتِ بودن و باز نمود آنچه را که بوده‌اند و هستند را می‌یابند. مخاطبان نیز با رجوع به موسیقی کردی به مثابه منبعی برای خودشناسی و منبعی برای مقاومت در برابر هر قدرت مستحیل‌کننده، به موسیقی کردی قدرت می‌بخشند.

¹ Banet

² Grossberg

منابع

- بنت، اندی (۱۳۸۶)، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
- تاملینسون، جان (۱۳۸۱)، جهانی‌شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی - مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: نشر شیرزاده.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۲)، جهانی‌شدن، تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۳)، «جهان - محلی شدن: زمان - فضا و همگونی - ناهمگونی»، ترجمه مراد فرهادپور، فصل‌نامه ارغنون، شماره ۲۴، صص: ۲۳۸ - ۲۱۱.
- رامین، علی (۱۳۸۷)، مبانی جامعه‌شناسی هنر، تهران: نشر نی.
- قاسمیانی، صلاح (۱۳۸۲)، جهانی‌شدن و هویت قومی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران دانشکده حقوق.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)، «جهانی‌شدن و بحران هویت»، فصل‌نامه مطالعات ملی، سال ۳، شماره ۱۰، صص: ۴۸ - ۱۱.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، «نگاهی به مفهوم و نظریه‌های جهانی‌شدن»، فصل‌نامه مطالعات ملی، سال ۳، شماره ۱۱، صص: ۱۱۶ - ۸۵.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)، جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۵)، تجدد و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۷)، «آسیب‌شناسی مخاطب‌پنداری»، فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ایران، شماره ۳، صص: ۱۱۳ - ۷۹.
- Ameli, Saide Reza (2002), *Globalization, Americanisation and British Moslim Identity*, London: ICAS Press.
- Appadurai, A. (1996), *Modernity at Large*, Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Beyer, P. (1994), *Religion and Globalization*, London: Sage.
- Bhabbha, H. (1997), *Location of Culture*, London: Routledge.
- Clark, I. (1976), *Sub- Culturs, Culturs and Class*, Britian. London.
- (1997), *Globalization and Fragmentation*, London: Oxford Univercity Press.
- Dalby, S. (1998), "Geopolitics and Global Security", In *Rethinking Geopolitics*, G.Tuathailand S. Dably (eds), London: Routledge.
- Denora, Tia. (2000), *Music in Everyday Life*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Featherstone, M. et al. (1995), *Global Cultures*, London, Sage.
- Friedman, J. (1994), *Cultural Identity and Global Process*, London: Sage.
- Grossberg, L. (1986), *The Rock after Pank? Critical Studies in Mass Communication*, London: Routledge.
- Hannerz, U. (1992), *Cultural Complexity*, New York: Columbia University Press.
- Maning Nash. (1996), "The Core Elements of Ethnicity", In *Ethnicity*, John Hutchinson and Anthony Smith (eds), London, Oxford Press.
- Mathews, Gordon (2000), *Global Cultur: Individual Identity Searching for Home in the Cultural Supermarke*, London: routledge.

- Mead, J. (1964), *On Social Psychology: Selected Papers*, Chicago: University of Chicago press.
- Merly, D. and K. Robins (1996), *Space of Identity*, London: Routledge.
- Nagel, S. (1998), "Constructing Ethnicity" In *New Tribalism*, M. Hughey (ed.), New York: New York University Press.
- Peterson, R. D. (1999), *Social Problems*, New Jersey Press.
- Robins, K. (1996), "Global Culture", In *Modernity and it's Future*, Richard Hall, David Held and Anthony MCGrew (eds), Open University Press.
- Stokes, Martin (1997), *Ethnicity. Identity and Music: The Musically Construction of Place*, London: Sage.
- Tajfel, H. (1978), *Differentiation between Social Groups*, London: Academic Press.
- Waters, M. (1995), *Globalization*, London: Routledge.

